

دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی در ادبیات
سال سوم، شماره‌ی پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۵
صفحات ۴۲-۱۵

جلوه‌های آیات قرآن در نفثة المصدور

اختیار بخشی^۱
احمد نورمند^۲
محمدعلی خزانه‌دارلو^۳

چکیده

هدف از این تحقیق مشخص کردن تأثیر آیات قرآنی بر غنای صوری و ساختاری نفثة‌المصدور شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی و برجسته نمودن ارزش ادبی و بلاغی والای این آیات در ارتقای این متن ادبی و تاریخی به یکی از بهترین نمونه‌های نثر کهن مصنوع فارسی است. بررسی و تحلیل متن با روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و متن‌پژوهی نشان می‌دهد که در نفثة‌المصدور جلوه‌های گوناگون هنرنمایی و نکته‌پردازی نویسنده در بهره‌گیری از آیات قرآن، و رای شأن نزول آنها، به اقتضای لفظ و معنی نمود یافته است. بیشتر موارد استفاده‌ی او از آیات قرآن به صورت استفاده از بخشی از آنها است. زیدری نسوی در کاربرد آیات به مطابقت آنها با نص قرآن کریم و یا به استفاده از آیات کامل تعمد و اصرار نداشته، بلکه بیشتر به استفاده‌ی لفظی و ساختاری از آیات در جهت تمهیم و تکمیل معنی جملات فارسی و نمایاندن قدرت استادپاش در نثرنویسی و سخن‌پردازی فارسی تأکید کرده است. نویسنده در بعضی موارد از این آیات به زیبایی به منظور طنزپردازی بهره برده است. از دیدگاه معناشناسی بیشترین موارد استفاده از آیات مربوط به آیات انذار و عذاب‌های اخروی و عاقبت انسان‌های بدکردار است که با توجه به محتوای کتاب به‌جا و هنرمندانه به کار رفته و بر ارزش و انسجام متن افزوده است. نتیجه‌ی کار نشان می‌دهد که به کارگیری هنرمندانه‌ی آیات قرآن عامل مهمی در ارتقای این متن ادبی به یکی از شاهکارهای مسلم نثر کهن مصنوع فارسی است.

کلید واژه‌ها: قرآن، بررسی و تحلیل، زیدری نسوی، نثر مصنوع، نفثة‌المصدور.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول): ikhtiyar.bakhshi@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان: nourmand_۳@yahoo.com

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان: khazaneh@guilan.ac.ir

۱. مقدمه

قرآن کریم از ابتدای نزول، رسوخ عمیق، گسترده و قابل توجهی در ذهن و زبان و زندگی مسلمانان داشته است. شاعران و نویسندگان ادیب، سخن‌دان و سخن‌پرداز مسلمان در بسیاری از موقعیت‌های مناسب، برای ارتقای شعر و نثر خود، به اقتضای حال و مقام و مقال، به نحوی از انحا، از آیات قرآن بهره برده‌اند. شعرا و نویسندگان ادب فارسی نیز مانند دیگر ادیبان مسلمان به شیوه‌های متفاوت و متنوع از آیات قرآن از جمله درج، اقتباس، تضمین، حلّ یا تحلیل و تلمیح استفاده کرده و آیات و کلمات قرآنی یا مفاهیم و مضامین آن را در شعر و نثر خود گنجانیده‌اند.

شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی (م. ۶۴۷ هـ.ق.) در کتاب نفثة‌المصدور مانند دیگر نویسندگان و شاعران ادب فارسی از آیات قرآنی در موقعیت‌های مختلف برای ارتقای اثر خود بهره برده است که در این مقاله بر آن بوده‌ایم که گونه‌ها، شیوه‌ها و شگردهای این بهره‌گیری را بررسی کنیم.

به کارگیری آیات قرآنی ضمن نوشته‌ها در نثر فارسی بیشتر به ویژگی سبکی مربوط می‌شود. «استفاده از کلمات عربی و استدلالات قرآنی و شواهد تازی در نوشته‌های نویسندگان و منشیان درباری قرون ششم و هفتم (زمان تصنیف و نگارش نفثة‌المصدور) مرسوم بوده است. این نویسندگان و منشیان، پارسی ساده و بدون زیور و زینت عربی را لفظی رکیک و ترهاتی نابسامان می‌پنداشتند» (بهار، ۱۳۴۹، ج ۲: ۳۶۳ و وراوینی، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۱).

نظامی عروضی در اواسط قرن ششم هجری بین سال‌های ۵۵۱-۵۵۲ هـ.ق.، در دیباچه‌ی کتاب «چهار مقاله»ی خود در بیان ماهیت دبیری و کیفیت دبیر کامل، «عادت به خواندن مداوم قرآن کریم و تسلط بر آن را به همراه خواندن اخبار و احادیث نبوی و آثار صحابه و امثال عرب و تسلط بر آن‌ها»، جزو شرط‌های لازم دبیری و ویژگی‌های اصلی دبیران حاذق شمرده و در حکایاتی که در این‌باره آورده است، نهایت فضل و هنر دبیران بزرگی چون «اسکافی» را در استفاده‌ی به‌جا و به مقتضای حال و مقام از آیات قرآنی دانسته‌است (نظامی عروضی، ۱۳۶۹: ۲۲-۲۴ و بهار، همان: ۳۶۰).

«هنگامی که سخن از مقتضای حال و مقام پیش کشیده‌می‌شود، پای علوم بلاغی و به ویژه علم معانی به میان می‌آید. چرا که مقتضای حال نقطه‌ی مرکزی بلاغت است.» (تجلیل، ۱۳۷۶: ۵) بر پایه‌ی این نظر از دیدگاه علم معانی به کارگیری آیات قرآنی و

احادیث نبوی به مقتضای حال و مقام، برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر مخاطب (شنونده و یا خواننده) که هدف علم معانی و بلاغت است، با قصد و منظورهای گوناگونی انجام می‌پذیرد: استشهاد و استناد، تبیین و توضیح، تعلیل و توجیه، تشبیه و تمثیل، تحذیر و تحریض، تبرک و تیمّن، تزیین و تجمیل، نکته‌پردازی، فضل‌فروشی، هنرنمایی و... (راستگو، ۱۳۸۳: ۳۰).

در بررسی کاربرد آیات قرآن کریم در نفثة‌المصدور مشخص می‌شود که در اکثر موارد تنها بخشی از آیات قرآن در حدّ چند کلمه و گاهی دو یا حتی یک کلمه در ضمن جمله‌ها و بافت و پیکره‌ی آن‌ها به کار رفته است. به همراه این به‌گزینی و ایجاز، گاه نویسنده آیات کامل را بدون کاستن جزئی از اجزای آن‌ها به مقتضای حال و مقام سخن آورده است (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۲۶). این ویژگی را می‌توان ذیل فصاحت کلام و بلاغت متکلم، یعنی هم از «جنبه‌ی شیوا و وافی و رسا و مطابق و مناسب حال و مقام بودن کلام و هم قدرت انشای سخندان چیره‌زبان در آوردن سخن بلیغ» بررسی کرد (همایی، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۵). از آن‌جا که «شهاب‌الدین زیدری نسوی از منشیان دربار جلال‌الدین منگبرنی خوارزمشاه و پس از او شهاب‌الدین غازی از پادشاهان ایوبی آسیای صغیر بود، نباید فراموش کرد که شیوه‌ی انشای او منشیانه است» (صفا، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۰۹). به قول مرحوم محمدتقی بهار «تلمیح به آیات قرآنی و استدلال و استشهاد به کلماتِ ربّانی که از قرن ششم و عهد ابوالمعالی نصرالله منشی رواج پیدا کرده و تثبیت شده بود، سرمایه‌ی اصلی دبیران پس از او بوده است» (بهار، ۱۳۴۹، ج ۲: ۳۶۳ و ج ۳: ۲۰۲).

هر چند به‌کارگیری به‌جا و مناسب حال آیات و کلمات قرآنی از جنبه‌ی بلاغی مربوط به قدرت سخن‌پردازی نویسنده و ملکه‌ی سخندانی و قوه‌ی بیان شیوا و بلیغ اوست و نویسندگان و منشیان قدیم همانند گویندگان (شعرا) و سخنوران (خطبا) واجد آن بوده‌اند (همایی، ۱۳۷۱: ۲۵)، نباید فراموش کرد که خود این ویژگی، جزو معیارها و شاخصه‌های اصلی نثر فنی و جزو همان هنجارهایی بوده است که نویسندگان عصر زیدری نسوی، آن را پذیرفته و اعمال می‌کرده‌اند. با این دیدگاه هرگونه ملاحظات بلاغی و بدیعی تحت‌الشعاع ویژگی سبکی قرار می‌گیرد.

در نفثة‌المصدور کاربرد آیات قرآنی در جملات زبان فارسی در بسیاری از مواقع چنان استادانه و به‌جاست که آیات قرآنی عملاً جزو بافت (textur) متن می‌شوند؛ یعنی بیشتر از آن‌که نویسنده تعمّدی در زیبایی‌آفرینی و ملاحظات بلاغی (بدیعی و

بیانی) در آرایش کلام داشته باشد، بر پایه‌ی ملاحظات معنایی (علم معانی) آیات و کلمات قرآنی را چنان در جای مناسب خود به کار می‌برد که کلمات و جملات عربی آیات قرآن در محور همنشینی کلام با کلمات فارسی معانی و مفاهیم واحدی را می‌رسانند. با همین شگرد، فایده‌ی اوّل نیز به صورت مطلوب حاصل آمده است.

زیدری نسوی نفثة‌المصدر را در سال ۶۳۲ هـ.ق. نوشته است و بدین ترتیب از نویسندگان نیمه‌ی اوّل قرن هفتم هجری به شمار می‌آید. مرحوم محمدتقی بهار تأکید می‌کند که «سبک نوشتاری محمد زیدری نسوی همانند نویسندگان بنامی چون ناصح بن شرف جرفادقانی و سعدالدین وراوینی به گونه‌ای است که هرچند در سده‌ی هفتم ظهور کرده‌اند، یا تاریخ تألیف کتب آن‌ها قرن هفتم هجری است، بدون تردید آن‌ها را باید در ردیف نویسندگان قرن ششم جای داد» (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۶). «در این دسته از آثار نویسندگان برای اطناب و اطاله‌ی معنی، آیات قرآن و احادیث را در نثر به کار می‌بردند و آن را از دلایل انسجام و جزالت و استحکام و قدرت و کمال نثر می‌دانستند» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۰۸).

۱-۲. بیان مسأله

سؤال اساسی این پژوهش که انجام آن را ضروری می‌کند، چنین است: چگونه و با چه سازوکار و شگردهایی نویسنده‌ی نفثة‌المصدر، کتابی با حجم کم توانسته‌است که «گوی سبقت را از نویسندگانی مثل جرفادقانی و بهاءالدین بغدادی برآید و تصنیفش از هر حیث با آثاری همچون مرزبان‌نامه‌ی وراوینی و کلیله و دمنه‌ی نصرالله منشی پهلو به پهلو بزند» و به «یکی از شاهکارهای بدیع نثر فنی و یکی از بهترین نمونه‌های ادب فارسی» (ر.ک. بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۸ و صفا، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۰۹) تبدیل شود؟ از دیدگاه سبک‌شناسی دلیل آن را باید وفاداری زیدری نسوی به شاخصه‌های نثر فنی دانست. نثری که ابوالمعالی در قرن ششم هجری به عنوان شاخص و سنت‌گذار آن مطرح است و کلیله و دمنه‌ی او، سرآغاز این نثر و نمونه و سرمشق عالی آن به شمار می‌رود. هرچند که اهمیت و هنر کتاب نفثة‌المصدر بیشتر مرهون ادبی و هنری بودن آن و تسلط مصنف آن بر ادبیات و نثرنویسی فارسی است، به نظر می‌رسد که یکی از عناصر و شاخصه‌های این نوع نثر به‌کارگیری به‌جا و هنرمندانه‌ی آیات قرآنی است. در این پژوهش درصد تبیین به‌کارگیری آیات قرآن در این کتاب برآمده‌ایم و کوشیده‌ایم که

نشان دهیم که مصنف از کدام دسته آیات قرآن و به منظورهایی استفاده کرده است. از این دیدگاه، هدف این مقاله، نشان دادن چگونگی اقتباس و به‌کارگیری آیات و کلمات قرآنی در نفثه‌المصدر و تأثیر آن در کسب مقام والای این کتاب در ادب فارسی به عنوان نمونه‌ی والای نثر مصنوع است. برپایه‌ی این هدف، رویکردها و چشم‌اندازهای متعددی چون شکل، ساختار، بسامد، سبک، دستور زبان یا نقش دستوری آیات در ساخت و بافت نحوی جملات و ملاحظات بلاغی و معناشناختی (بسامد معانی و مفاهیم خاص) آیات در جهت روشن کردن و اثبات قدرت قلم و هنر نویسندگی مصنف و ساختار فکری او مورد نظر نگارندگان این مقاله است. در بخش‌های بعدی این خصایص عنوان‌بندی و بررسی شده است.

۳-۱. پیشینه و ضرورت تحقیق

در شعر فارسی، قرآن و حدیث جلوه‌های گوناگونی دارد. سیدمحمد راستگو این بحث را در کتاب «تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی» از دیدگاه‌های مختلف ساختاری و محتوایی بررسی کرده است (راستگو، ۱۳۸۳).

بهاءالدین خرمشاهی و سیامک مختاری در کتاب «قرآن و مثنوی» به بررسی نفوذ و رسوخ آیات، الفاظ و معانی قرآنی در ابیات مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی پرداخته‌اند. این بزرگان «نفوذ و رسوخ آیات را منحصر به پنج وجه یا شکل کرده‌اند: تضمین، برگرفتن، اقتباس، الهام‌گرفتن و اشاره داشتن که دو وجه اول را لفظی و سه وجه بعدی را لفظی و معنوی هردو دانسته‌اند» (خرمشاهی و مختاری، ۱۳۸۳: ۱۳)

خرمشاهی و مختاری درباره‌ی اصطلاحات «برگرفته»، «الهام» و «اشاره» نظر خاصی دارند. این دو «برگرفتن» را از «اقتباس» جدا دانسته و «برگرفته» را چنین تعریف کرده‌اند: «عبارت از برگرفتن عبارت یا آیه‌ی قرآنی است با تصرف یا افزود و کاست» (همان). درباره‌ی الهام و اشاره نیز اعتقاد دارند که «الهام از یک آیه و عبارت قرآنی و اشاره به آن فی‌الواقع فرق چندانی ندارد و هر دو زیرمجموعه‌ی اقتباس هستند.» آن‌ها اقتباس‌های لفظی را «اشاره» و اقتباس‌های معنوی را «الهام» دانسته‌اند (همان: ۱۳-۱۴).

علی اصغر حلبی در فصل چهارم کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» با بررسی نمونه‌هایی از نه کتاب از نه نویسنده‌ی شهیر فارسی، به بررسی اجمالی جلوه‌های تأثیر قرآن و حدیث در نثر فارسی پرداخته است (ر.ک. حلبی، ۱۳۷۹: ۲۰۹-۳۱۳).

سامیه بشیر مؤدھی در مقاله‌ای با نام «قرآن و ادب فارسی» به بررسی و تحلیل چگونگی تأثیر آیات قرآن در ادبیات فارسی پرداخته‌است. او در بخش پایانی مقاله‌ی خودش به «تأثیر قرآن در نثر فارسی» اشاره کرده و در این بخش با بهره‌گیری از کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی» دکتر علی‌اصغر حلبی که ذکر شد، به بررسی اجمالی تأثیر قرآن کریم بر نثر کهن فارسی، علاوه بر کتاب‌هایی که دکتر حلبی به آن‌ها پرداخته است، در آثار دیگر همچون گلستان سعدی پرداخته‌است (ر.ک. انوشه و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۰۸۰-۱۱۱۹).

حسین خطیبی در صفحات ۲۰۰ تا ۲۰۸ جلد اول کتاب «فنّ نثر در ادب پارسی» موضوع چگونگی کاربرد آیات و احادیث را در نثر فنی و مصنوع فارسی بررسی کرده است.

امیرحسین یزدگردی مصحح «نفثة‌المصدور» نیز در «مقدمه‌ی مصحح» چگونگی استعمال آیات قرآن کریم را به همراه موارد دیگر در صفحات بیست و بیست و یک مقدمه‌ی کتاب با ذکر نمونه‌ها بررسی نموده است.

مجید سرمدی و دکتر علی عابدی در مقاله‌ی «بررسی مفهومی و ساختاری آیات قرآن در نفثة‌المصدور» به بررسی اثرپذیری زیدری نسوی از قرآن کریم با بهره‌گیری از انواع شیوه‌های متدوال اقتباس، استشهاد، تلمیح، تأویل، ترجمه، نقل به معنا و گونه‌های کاربرد برهان‌آوری و توجیه، بهره‌وری هنری و تزئینی (تزئین، تجمیل، تناسب، قرینه-پردازی و...)، اثرپذیری الهامی-تاریخی، مشابه‌سازی قصص قرآنی، تصویرپردازی و توصیف، استفاده‌ی تمثیلی و اثرپذیری واژگانی پرداخته‌اند. زمینه‌ی اصلی بحث در مقاله‌ی مزبور، کاربرد مفهومی و ساختاری آیات قرآن در کتاب نفثة‌المصدور و شیوه‌های ده‌گانه‌ی مزبور و به‌کارگیری آن بنا بر ذائقه‌ی نویسنده است که از اشراف عمیق او بر قرآن حکایت دارد (ر.ک. سرمدی و عابدی، ۱۳۸۲).

ما در مقاله‌ی حاضر به بررسی نکات و مواردی پرداخته‌ایم که در مقاله‌ی فوق، مورد بررسی، تحلیل و تبیین قرار نگرفته‌اند یا کمتر در کانون توجه بوده‌اند. در این مقاله ضمن این‌که از همه‌ی منابع فوق به فراخور موضوع برای تحلیل بهتر کمک گرفته شده است، با معین کردن شیوه‌ها و شگردهای متنوع به‌کارگیری آیات قرآنی در نفثة‌المصدور برای ارتقای آن از جنبه‌ی لفظ و معنا، این نکته روشن شده‌است که تحقیقات انجام یافته در این حوزه (نثر کهن مصنوع فارسی) برای روشن کردن ابعاد گسترده‌ی آن کافی

نبوده و انجام چنین پژوهش‌هایی، به ویژه با رویکرد میان‌رشته‌ای، برای پژوهشگران و دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی و ادبیات فارسی می‌تواند مفید باشد.

۴-۱. اصطلاحات

به جهت آن‌که در این تحقیق تعدادی از اصطلاحات ادبی یا شیوه‌های کاربرد آیات در تحقیق حاضر حائز اهمیت هستند، در این بخش از مقدمه بهتر است، نگاهی کوتاه به مهم‌ترین اصطلاحات از منظر موضوع مقاله بیندازیم:

درج: «اگر نصّ آیه بدون هیچ تغییری در متن آورده شود، به آن «درج» گویند» (انوشه و دیگران: ۱۱۴ / حلبی، ۱۳۷۹: ۶۸).

اقتباس: در اصطلاح بدیع آن است که همه و یا بخشی از یک آیه‌ی قرآن در کلام آورده شود به نحوی که قصد، برگرفتن باشد نه سرقت و انتحال (همان: ذیل واژه‌ی موردنظر). خرمشاهی و مختاری اقتباس را به دو نوع لفظی و معنایی تقسیم کرده‌اند: «اقتباس لفظی به مفهوم برگرفتن عبارت یا آیه‌ی قرآنی و اقتباس معنایی به این مفهوم که معنای شعر (یا نثر) اقتباس از آیه است» (خرمشاهی و مختاری، همان منبع: ۱۳). اقتباس را چنین تعریف کرده‌اند: «آوردن گزاره‌ای؛ یعنی عبارتی قرآنی و یا روایی با همان ساختار عربی بی‌هیچ گونه تغییر و دگرگونی یا با اندک تغییری» (راستگو، ۱۳۸۳: ۳۰).

تلمیح: در فنّ بدیع عبارت از آن است که نویسنده و یا شاعر برای اثبات سخن خودش به آیه‌ای مشهور اشاره کند بی‌آن که صریحاً متذکر استفاده‌ی خود باشد (حلبی، ۱۳۷۹: ۵۰). تلمیحات اسلامی (مثل تلمیح به آیات و قصه‌های قرآن) گونه‌ای از تلمیحات رایج در شعر و نثر فارسی است (انوشه و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۰۳-۴۰۴).

تفاوت اقتباس و تلمیح: در اقتباس همه یا بخشی از عین آیه آورده می‌شود که حاکی و دلیل بر تمام آیه اقتباس شده است، اما در تلمیح تنها اشاره‌ای لطیف و ضمنی به آن آیه معروف می‌شود ولی عین آن را ذکر نمی‌کنند تا ذهن خواننده و یا شنونده را در کشف مفهوم سخن به کوشش وادارند (انوشه و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۱۴-۱۱۵ و نیز حلبی، ۱۳۷۹: ۶۹).

حلّ و یا تحلیل: در اصطلاح بدیع نوعی اقتباس است که در آن مضمون و یا ترجمه‌ی آیه در کلام آورده شود (انوشه و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۱۴ و ۵۳۳). در تعریفی دیگر

حلّ یا تحلیل در اصطلاح ادیبان گرفتن آیه‌ای از قرآن مجید گفتار و یا نوشتار است با خارج ساختن عبارت آن از صورت یا وزن اصلی‌اش به طور کامل یا ناقص (حلبی، ۱۳۷۹: ۵۸) و در تعریفی دیگر دستکاری آیه تا مرز از هم پاشاندن ساخت و بافت آن (راستگو، ۱۳۸۱: ۳۴).

۲. کمیّت موارد به‌کارگیری آیات قرآن در نفثة‌المصدور

جمع استعمال آیات قرآن در کتاب نفثة‌المصدور بالغ بر نود مورد است و این نکته با عنایت به حجم کم کتاب در مقایسه‌ی آن با آثار دیگر نثر فنی و مصنوع فارسی مثل کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه قابل توجه و اعتنا است.^۱ در نفثة‌المصدور بیش از هشتاد و چهار مورد درج و اقتباس عین آیات قرآنی دیده می‌شود. هفت مورد نیز وجود دارد که با دخل و تصرف نویسنده همراه بوده یا این که در حدّ اشاره و تلمیح است که در بخش‌های بعدی مقاله به آن‌ها خواهیم پرداخت. از میان هشتاد و چهار مورد اقتباس عین آیات قرآن در این کتاب بیست و دو مورد^۲ بدون کم و کاست به کار برده شده‌اند؛ مانند: «... احوال محشر و احوال رستاخیز، چنان‌که زبان وحی فرماید: یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أُخِيهِ وَآمَتِهِ وَابِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ عيان دیده شد» (زیدری نسوی، همان: ۴۴). ملاحظه می‌شود که سه آیه‌ی (۳۴ و ۳۵ و ۳۶) از سوره‌ی عَبَسَ (۸۰) عیناً اقتباس و در جمله‌ی فارسی درج شده است. در شصت و دو مورد دیگر تنها قسمتی از آیه با حذف قسمت‌هایی آورده شده که به فحوای کلام و معنا و مفهوم مورد نظر نویسنده مربوط نمی‌شده است. این ارقام در جدول زیر با تعیین درصد آمده است:

استفاده از بخشی از آیه	استفاده از آیه‌ی کامل	کلّ موارد به‌کارگیری عین آیات
۶۲ مورد	۲۲ مورد	۸۴ مورد
٪۷۴	٪۲۶	٪۱۰۰

چنان‌که مشهود است، بیشترین مورد به‌کارگیری آیات قرآنی در نفثة‌المصدور به صورت استفاده از بخشی از آیه‌ی قرآن است و این امر نشان می‌دهد که زیدری نسوی در کاربرد آیات به مطابقت با نصّ قرآن کریم و یا به استفاده از آیات کامل، بی‌کم و کاست، جهت تبرک و تیمّن و یا استدلال و استناد تعمّد و اصرار ندارد، بلکه بیشتر به استفاده‌ی لفظی از آیات در جهت تتمیم و تکمیل معنی (جنبه‌ی معناشناختی) و نمایاندن قدرت استادی‌اش در نثرنویسی و سخن‌پردازی فارسی تأکید دارد. نکته‌ی مهمّ

دیگر مهارت نویسنده در به‌گزینی و کاربرد دقیق و بجای آیات قرآنی به منظور افزودن بر فصاحت و بلاغت متن است.

۱-۲. بررسی فراوانی استعمال آیات سوره‌ها در نفثة‌المصدر

زیدری نسوی از بین صد و چهارده سوره‌ی قرآن کریم، از آیات چهل و نه سوره به طرق مختلف درج، اقتباس، تلمیح، حل و... استفاده کرده‌است. با بررسی آیاتی که در نفثة‌المصدر به کار رفته‌اند، به نتایج جالب و معناداری می‌توان دست یافت: سوره‌ی بقره (۲) با هشت مورد بسامد (ر.ک. همان: ۱، ۱۳، ۲۶، ۳۱، ۳۸، ۷۷، ۱۰۰ و ۱۱۱) بیشترین تعداد استفاده را دارد. بعد از آن به ترتیب سوره‌های آل‌عمران (۳) با شش مورد بهره‌گیری (همان: ۳۴ (۲ مورد)، ۵۳، ۵۵، ۶۸ و ۸۴) و النساء (۴) با پنج مورد (ر.ک. همان: ۱۲، ۱۴، ۳۵، ۳۹ و ۶۲) و الکهف (۱۸) در صفحه‌ی ۵۷ (سه مورد که یک مورد آن «رابع» تنها در حدّ اشاره و تلمیح آمده‌است) و صص ۱۰۰ و ۱۱۱ بیشتر از آیات سوره‌های دیگر به‌کار رفته‌اند. بعد از این سوره‌ها، سوره‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۳۷ هرکدام با ۳ مورد بهره‌گیری، مقام بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از این سوره‌ها، سوره‌های ۵، ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۹، ۴۳، ۴۶ و ۸۰ با دو مورد استعمال در ردیف بعدی قرار می‌گیرند. سوره‌های ۱، ۶، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۵، ۶۹، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۳، ۹۰ و ۱۰۱ هرکدام با یک مورد استفاده در رتبه‌ی آخر قرار می‌گیرند که می‌توان جدول زیر را در این مورد ترسیم کرد:

شماره‌ی سوره‌ها	فراوانی موارد استفاده از آیات سوره‌ها
۲	۸
۳	۶
۴ و ۱۸	۵
۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳ و ۳۷	۳
۵، ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۱، ۲۳، ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۹، ۴۳	۲
۴۶ و ۸۰	
۱، ۶، ۱۲، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۳۰، ۳۱، ۳۶، ۳۸	
۴۰، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۶۵، ۶۹، ۷۳، ۷۵، ۷۶، ۷۹، ۸۳، ۹۰	۱
و ۱۰۱	

ملاحظه می‌شود که زیدری نسوی از آیات سوره‌های ابتدایی و میانی قرآن به دلیل طولانی بودن این سوره‌ها و کثرت مضامین و موضوعات آیات آن‌ها، بیشترین استفاده را کرده است. مصنف از سوره‌ی الکهف (۱۸) به این دلیل که در صفحه‌ی ۵۷ کتاب قصد هنرنمایی داشته‌است و می‌خواسته است که آیاتی از این سوره را در یک بند بیاورد، مکرر استفاده کرده است. در بخش‌های بعدی مقاله به بررسی این مورد خواهیم پرداخت. سوره‌ی الصافات (۳۷) به این دلیل که در صفحه‌ی ۴۰ دو آیه‌ی مختلف از این سوره (آیات ۷۳ و ۱۷۷) با هم ترکیب شده، نیز از نظر کاربرد در بین سوره‌های پرتکرار قرار گرفته است.

نکته‌ی دیگر این که ملاحظه می‌شود که آیات سوره‌های آغازین قرآن و سوره‌های مدنی موارد استعمال چشمگیری در این کتاب دارند. این امر تسلط زیدری نسوی را در کاربرد آیاتی از کل سوره‌های قرآن، چه سوره‌های بلند آغاز و میانه‌ی قرآن و چه سوره‌های کوتاه آخر آن، اثبات می‌کند.

مورد مهم دیگر این است که زیدری نسوی کمتر از آیات سوره‌های جزء سی‌ام قرآن کریم بهره می‌گیرد، چنان که از سوره‌های ۷۸ تا ۱۱۴ تنها شش مورد استعمال (سوره‌های ۷۹، ۸۳، ۹۰ و ۱۰۱ هر کدام یک مورد و سوره‌ی ۸۰ دو مورد استعمال) به چشم می‌خورد. جالب این که «سوره‌های جزء سی‌ام قرآن اغلب کوتاه و آهنگین هستند» (رضوانی، ۱۳۸۲: ۳۵) و در نتیجه حفظ کردن آن‌ها آسان‌تر از سوره‌های مفصل اوایل و اواسط قرآن است. با توجه به این که زیدری نسوی از آیات سوره‌های آغازین و میانی قرآن به طور گسترده در تمام متن کتابش بهره برده است، این امر نمی‌تواند نشانه‌ی این باشد که او تسلطی بر سوره‌های پایانی قرآن ندارد و یا این که آن‌ها را از حفظ نداشته است، بلکه استفاده کردن او از آیات سوره‌ها، استفاده‌ی مفهومی است و متناسب با فحوای مطالب کتاب و معنی و مفهوم جملات فارسی از آیات سوره‌های مفصل آغاز قرآن برای تکمیل و متمیم معنای جملات فارسی با استادی و به صورت هنرمندانه بهره برده است و این امر شگرد اصلی او در استفاده از آیات قرآن در کتابش است؛ برای مثال سوره‌ی بقره که مفصل‌ترین سوره‌ی قرآن است و ۶۱۴۳ کلمه دارد و در آن به صد و سی حکم فقهی و موضوعات متنوع دیگر اشاره شده است (همان: ۵۲)، این سوره‌ی بلند به دلیل کثرت معانی و مضامین آیاتش بیشترین کاربرد را در کتاب او بین سوره‌های قرآن پیدا کرده است. نویسنده با تسلط بر سوره به تناسب موضوعات

مختلف کتاب از آن بهره برده است. سوره‌های پایانی قرآن از لحاظ موضوع و مضمون و فحوای مطالب نفثة‌المصدور، تناسب چندانی با موضوعات و مضامین جملات فارسی مورد نظر زیدری نسوی نداشته‌اند، برای همین کمترین کاربرد را در این اثر دارند.

۳. نگاهی به کیفیت به‌کارگیری آیات قرآن در نفثة‌المصدور

برای آغاز بررسی بهتر است تفاوت کاربرد آیات قرآن در نفثة‌المصدور که نمونه‌ی نثر مصنوع فارسی محسوب می‌شود با کلیله و دمنه، اثر شاخص نثر فنی فارسی، از دیدگاه سبک‌شناسی بررسی شود. در بررسی این دو کتاب درمی‌یابیم که موارد کاربرد آیات قرآن در کلیله و دمنه در مقایسه با نفثة‌المصدور بسیار محدود و معدود است. به جز پنج موردی که در صفحات چهار تا هفت دیباچه‌ی کلیله و دمنه‌ی نصرالله منشی آمده‌است، در باب‌های این کتاب جز موارد انگشت‌شمار، به ندرت با کاربرد آیات قرآن مواجه می‌شویم (منشی، ۱۳۶۸: ۹۲، ۱۲۹، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۰ و ۲۴۹). به‌کارگیری آیات قرآن در دیباچه‌ی کلیله و دمنه و ابتدای باب‌ها مثل «باب الحمامة المطوقة»، «باب الاسد و ابن‌آوی»، «باب البلار و البراهمة» به صورت درج و به جهت تبرک و تیمن و نیز استشهاد بوده است (ر.ک. همان: ۱۰۵، ۲۲۶، ۲۵۶ و ۲۸۱). در حالی که در نفثة‌المصدور در بسیاری از صفحات کتاب، به صورت‌های مختلف اشاره، حل، اقتباس و تلمیح با منظورهای گوناگون با استعمال آیات قرآنی روبه‌رو هستیم. ابوالمعالی در کلیله و دمنه اغلب قبل از آوردن آیات قرآن که به صورت کامل و بدون دخل و تصرف درج کرده است، عبارت‌هایی را می‌آورد که خواننده را متوجه می‌کند که با نقل قول و کلام الهی سر و کار دارد؛ برای نمونه: «اقتباس این سخن از قرآن عظیم است...» (همان: ۵)، «و خدای تعالی تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَ عَمَّتْ نِعْمَاؤُهُ می‌فرماید...» (همان: ۶) و «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى...» یا «قَالَ اللَّهُ سَبْحَانَهِ وَ تَعَالَى...» (همان: ۷ و ۲۲۶) و امثالهم، در حالی که در نفثة‌المصدور همانند آثار نثر مصنوع دیگر مثل مرزبان‌نامه‌ی وراوینی و تاریخ جهانگشای جوینی^۳، آیات قرآن بدون مقدمه و بدون این که قبل از آن عبارتی برای جلب توجه خواننده به کلام الله بودن آن‌ها ذکر شود، آورده می‌شوند. از دیدگاه سبک‌شناسی این گونه ظرائف، نوعی از ابداع و اظهار صنعت بوده‌است (بهار، ۱۳۴۹، ج ۳: ۸۹). در واقع در فاصله‌ی حدود یک قرن بین زمان تألیف کلیله و دمنه (۵۳۶هـ.ق.) و نفثة‌المصدور (۶۳۲هـ.ق.)، کاربرد آیات قرآنی در نثر فارسی آن قدر رواج پیدا کرده و جا افتاده است که

نویسنده بدون هیچ مقدمه‌ای و به صورت طبیعی از آیات قرآن استفاده می‌کند: «پادشاه سران لشکر را جمع کرده بود، و «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ» بگوش همگان فروخوانده ...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۳۶) و گاه نویسنده در اصل آیات نیز دخل و تصرف می‌نماید. برای نمونه «... و انذار واجب می‌شمردم وَ سَاءَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ» (همان: ۴۰).

۳-۱. کاربرد آیات قرآن بدون دخل و تصرف نویسنده در ساخت و بافت دستوری

جمله

یکی از جلوه‌های مهم کاربرد آیات قرآن در نفثة‌المصدر بدین گونه است که آیه را به قصد تتمیم و تکمیل معنی، اقتباس و تضمین می‌کند، به گونه‌ای که کل آیه یا اغلب بخشی از آن، قسمتی از ساخت و بافت جمله می‌شود و نقش دستوری و نحوی خاص می‌گیرد. حسین خطیبی این گونه از اقتباس را «دشووارترین و دقیق‌ترین نوع آن» می‌داند که «بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس به شمار می‌آید.» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۰۱ و ۲۰۳).

زیباترین جلوه‌ی این نوع کاربرد آیات که نشانه‌ی تسلط نویسنده بر زبان عربی و آیات قرآن کریم و اوج فصاحت و بلاغت نوشته است، در جاهایی است که نویسنده بخش‌هایی یا کلماتی از یک آیه‌ی قرآن را در بافت جملات فارسی در مناسب‌ترین جاها به کار برده است؛ برای نمونه: «[از] این آبخیز که هر لحظه تیزتر است، روزکی چند برخیز، تا ندای یا اَرْضُ اِبْلَعِي مَاءَ كِ وَ يَا سَمَاءُ اُقْلِعِي شنیده‌آید ... خویش را بجودیی انداز که اگر جهات آب گیرد، دامن تو تر نگردد، تا حالتِ غِيْضِ الْمَاءِ وَقْضِي الْأَمْرُ دیده‌آید...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱۱۴). ملاحظه می‌شود که نویسنده دو بخش از یک آیه، آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی هود (۱۱) را در نقش مضاف‌الیه در بافت و ساخت جملات فارسی به زیبایی به کار برده است. در ضمن کلمه‌ی «جودی» خود مقتبس از همان آیه است. در جای دیگر از کتاب همین شیوه به چشم می‌خورد: «بروقِ غمامِ بصرربایِ يَكَاذُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ بَبْرِيقِ حُسَامِ سَرِّبَايِ مَتَبَدَّلِ شده...» (همان: ۱). در این جمله بخشی از آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی بقره (۲) در ترکیبی اضافی در نقش مضاف‌الیه به کار رفته است. این گونه استعمال آیات که یکی از رایج‌ترین موارد کاربرد آیات در ضمن جمله‌ها در نثر فنی و نثر مصنوع قرن هفتم هجری است، در نفثة‌المصدر فراوان دیده می‌شود.^۴

در جای دیگر کتاب آمده‌است: «... یکی به تعجّب یا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ می‌خواند...» (همان: ۷۹) که قسمتی از آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی یس (۳۶) قرآن به همراه تمام آیه‌ی ۲۷ همان سوره در این جمله به تناسب معنی و مقال به کار رفته‌است و از دیدگاه دستور زبان، آیات قرآن در این جمله نقش مفعول گرفته‌اند. در نفثة‌المصدور تعداد شش مورد دیگر کاربرد آیه در داخل جمله‌ی فارسی در نقش مفعول آمده‌است.^۵

زیدری نسوی در جای دیگر کتابش چنین نوشته‌است: «حدائق بساطین جنت‌صفت خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا، عِرَاصِ امَاكِنِ فَرْدُوسِ آسَا قَاءًا صَفْصَفًا» (همان: ۲۶) که قسمتی از آیه‌ی ۲۵۹ سوره‌ی بقره (۲)، آیه‌ی ۴۲ سوره‌ی الکهف (۱۸)، آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی الحجّ (۲۲) با آیه‌ی ۱۰۶ سوره‌ی طه (۲۰) هر دو در نقش مسند با حذف فعل اسنادی به قرینه‌ی معنوی به کار رفته‌اند. مورد دیگر این کاربرد در جای دیگری از کتاب دیده می‌شود که در این مورد نیز آیات ۲۲ و ۶۲ از سوره‌ی الکهف (۱۸) در جمله به زیبایی و هنرمندی تمام در نقش مسند به کار رفته‌اند: «... ورد آن جماعت که لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَاكْمَلْتَ مِنْهُمْ رُغْبًا بود، اَتْنَا عَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا» (همان: ۵۷). ملاحظه می‌شود که فعل اسنادی (شد/ شده‌بود) در این مورد نیز به قرینه‌ی معنوی حذف شده‌است.

در جای دیگر کتاب، کاربرد قسمتی از آیه‌ی ۱۰۹ سوره‌ی التّوبه (۹) در نقش متمّم دیده می‌شود: «... این بنا اساسی است که بر شَقًّا جُرْفٍ هَارٍ نهاده‌است...» (همان: ۱۲۵). در جای دیگر می‌خوانیم: «قصّة حال بر هر که خواندم كَأَنَّ لَمْ يَسْمَعَهَا كَأَنَّ فِي أُذُنِيهِ وَقُرْأًا» (همان: ۹۳) که بخشی از آیه‌ی ۷ سوره‌ی لقمان (۳۱) قرآن کریم به تناسب معنایی که دارد، با استادی و هنرمندی تمام، جزو بافت اصلی جمله شده‌است و در جمله‌ی مرکّب نقش جمله‌ی پایه و هسته را بر عهده گرفته‌است. در جمله‌ی «... و قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ، اَجَلٌ در آن حدود تاختن آورد...» (همان: ۱۰۰). بخشی از آیه‌ی ۲۳۵ سوره‌ی بقره (۲) «يَبْلُغُ الْكِتَابُ أَجَلَهُ» را صرف نظر از معنا و شأن نزولش در قرآن، که درباره‌ی سپری شدن عده‌ی زنان مطلقه برای ازدواج مجدد است، بنا به ملاحظات معنایی به صورت قسمتی از جمله‌ی فارسی و در نقش قید زمان به کار برده شده‌است.

۲-۳. کاربرد آیات قرآن با دخل و تصرف نویسنده

در نفثة‌المصدور حدود هفت مورد استعمال از آیات قرآن دیده می‌شود که نویسنده در آن به اصل آیه و نصّ قرآن وفادار نمانده است، بلکه بنا به ملاحظات معناشناختی و زیبایی‌شناختی، کلمه یا کلماتی از آیه را از بافت و ساخت اصلی آن جدا کرده و از آن بهره برده است یا این که آیه را با افزودن یا حذف کلمه یا کلماتی، به صورت مبتدل و متناسب با بافت جملات فارسی به کار برده است. شیوه‌های دخل و تصرف زیدری نسوی در آیات قرآن بدین قرار است:

۱-۲-۳. اشاره به کلمات مشخص و برجسته‌ی آیات در ضمن جملات فارسی

کاربرد این شیوه‌ها را که در اصل نوعی اثرپذیری واژگانی از آیات قرآن کریم است در جاهای متعددی از نفثة‌المصدور می‌بینیم؛ برای نمونه: «...خواجه محمد جودانه رابع ما بود» (همان: ۵۷) در این جمله زیدری نسوی ضمن آن که به آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی کهف (۱۸) «سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ...» اشاره می‌کند (تلمیح)، با وام‌گیری یا بهتر بگوییم برگرفتن کلمه‌ی «رابع» از این آیه‌ی شریفه و اضافه کردن ضمیر «ما» به آن به شیوه‌ی ترجمه، برآیندی از آن را ضمن متن خود می‌آورد و واژه و ترکیبی را بر پایه‌ی مضمون آیه می‌سازد (ر.ک. راستگو، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۷). با توجه به فحوای کلام قرآنی که در آن سخن از سگ اصحاب کهف می‌رود، عبارت ابداعی زیدری نسوی طنزپردازانه به نظر می‌رسد که به این مورد نیز در مقاله خواهیم پرداخت.

نمونه‌ای دیگر از وام‌گیری در عبارت «... هر مجهول که فاعل از مفعول شناخت و موضوع از محمول فرق کرد، سلیمان وار به مُنْطِقَ الطَّيْرِ نرسد» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۱۵) دیده می‌شود. مصنف در جمله‌ی فوق ترکیبی قرآنی «مَنْطِقَ الطَّيْرِ» را از آیه‌ی شریفه‌ی ۱۶ سوره‌ی النمل (۲۷) عیناً و با همان ساخت و ترکیب عربی وام گرفته است و به زیبایی و استادی به قصد تمثیل، در بافت جمله‌ی پایه به کار برده است.

مورد دیگر از این کاربرد در جمله‌ی «... اصحابِ مَشَأْمَه در عَرَصَاتِ حَضْرَتِ حَشْر گشته و مِیْمَنَه بی‌خبر...» (همان: ۴۳) دیده می‌شود. نویسنده ترکیب «اصحابِ مَشَأْمَه» را عیناً و بدون تغییر از آیه‌ی ۹ سوره‌ی الواقعة (۵۶) قرآن «وَأَصْحَابُ الْمَشَأْمَه مَا أَصْحَابُ الْمَشَأْمَه» اخذ، وام‌گیری و اقتباس کرده است و به صورت استعاری-کنایی به

جای «سپاه مغول» نشانده است و با کلمه‌ی «مِیْمَنَه» که تلمیحی ظریف به آیه‌ی ۵۵ همان سوره دارد، ایهام تناسب ایجاد کرده‌است.

این کاربرد همان است که حسین خطیبی آن را به صورت «نقل یک یا چند کلمه از آیه به طریق کنایه و اشاره» در قسمت «نقل و اقتباس قسمتی از آیه و...» بررسی کرده است و افزوده است که «معنی این گونه عبارات جز با دانستن تمام آن آیه مفهوم نیست» (خطیبی، ۱۳۶۶: ۲۰۶-۲۰۷). دکتر امیرحسین یزدگردی نیز در «مقدمه‌ی مصحح» صفحه‌ی بیست و یک کتاب نفثة‌المصدر این نحوه‌ی استعمال آیات را به صورت «اشاره به پاره‌ای از کلمات مشخص و برجسته‌ی آیه» آورده است که البته نظر ایشان درست است.

۲-۳. هنجارگریزی و آشنایی‌زدایی به منظور زیبایی‌آفرینی با ترکیب و تلفیق دو آیه

نویسنده در یک مورد با جسارتی که حاصل استادی و مهارت او در انشا و جولان قلم او و تسلط فراوانش بر قرآن و عدم تعهد او به نصّ قرآن به منظور زیبایی‌آفرینی است: «... و انذار واجب می‌شمردم و سَاءَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۴۰) که در آن ترکیبی از آیه‌ی ۷۳ از سوره‌ی یونس (۱۰) «فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ» و آیه‌ی ۷۳ از سوره‌ی الصافات (۳۷) «فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذِرِينَ» و بخشی از آیه‌ی ۱۷۷ از همان سوره «فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذِرِينَ» را درهم‌آمیخته و عبارتی نو آفریده‌است که می‌توان آن را «آیه‌گونه» یا «آیه‌واره» خواند. به‌کارگیری آیات فراوان از قرآن در جای جای نفثة‌المصدر و در معانی و مفاهیم متعدّد نشان می‌دهد که این امر نمی‌تواند حاکی از اشتباه نویسنده باشد بلکه این گونه ابداعات و تصرّفات نشان از تسلط او بر زبان عربی و قرآن کریم و توانایی کافی او در به‌کارگیری آیات قرآن در متن فارسی دارد. آیات و مفاهیم قرآنی در اثر خواندن و ممارست زیاد به اصطلاح برای او ملکه شده‌اند و این گونه موارد بیانگر این است که به احتمال فراوان زیدری نسوی حافظ کلّ یا بسیاری از آیات قرآن بوده‌است. جسارت نویسنده صرف نظر از استادی و تسلط عمیق او به قرآن مجید حاکی از آن است که او صرفاً به استفاده‌ی لفظی و مفعومی از آیات توجه دارد و لزومی نمی‌بیند که اقتباسش با نصّ قرآن و عین آیه یا آیات قرآن مطابقت کند.

۳-۲-۳. آغاز کتاب بدون بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

جلوه‌ای از هنجارگریزی زیدری نسوی را در ابتدای کتاب ملاحظه می‌کنیم. نفثة‌المصدور کتابی است که بدون عبارت قرآنی و آیه‌ی شریفه‌ی «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ» شروع شده است و در ابتدا فقط عبارت «بِاسْمِہِ تَعَالٰی» آمده است و از این لحاظ در میان آثار نثر فارسی استثناست. از آن جا که این کتاب به نثر است، نویسنده فرصت و امکان زیادی داشته است که نوشته‌اش را با ذکر نام خدا آغاز کند و به شیوه‌ی نویسندگانی مثل سعدالدین و راوینی و نصرالله منشی بر آن «تحمیدیّه» و «نعت پیامبر اسلام (ص)» و امثالهم بنویسد. به احتمال زیاد در نیاوردن نام خدا، تحمیدیّه و نعت، تعمّد داشته است و می‌خواسته است که کتاب او از این لحاظ منحصر به فرد باشد. در شرح حال زیدری نسوی می‌خوانیم که نویسنده بعد از اطلاع از پایان کار دردناک سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه کتابش را به رسم «بث شکوی» و در شرح دشواری‌هایی که برای سلطان خوارزمشاه در آخر عهد او و خودش پیش آمده بود، نوشت (صفا، ۱۳۸۱، ج ۲: ۲۰۹). به نظر می‌رسد به دلیل این که محتوای این کتاب بیشتر بیان دردها و آلام و شکوه و شکایت از بی‌رحمی مغولان، زمانه‌ی بد و بی‌وفایی و غدر دوستان و آشنایان و قتل و غارت مردم و امثال این موضوعات است، نویسنده تعمداً خواسته است کتابش در میان آثار نثر فارسی از این حیث متمایز باشد. همان گونه که سوره‌ی توبه قرآن مجید که موضوع و محتوای آن قهر و غضب و برائت و بیزارى از مشرکان است، بدون بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ شروع شده است. عبارت بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ خود حاوی بار معنایی «رحمانیت» و «رحیمیت» خداست و همین بار معنایی، با محتوای کتاب، که حمله‌ی مغول و قتل عام مسلمانان به دست این قوم و عواقب دهشتناک اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن که از نگاه دین‌مدار نویسنده نشانه و آیه‌ی قهر و غضب خداوند بر مسلمانان به سبب عصیان و طغیان و بطر خود آنهاست (ر.ک. سرمدی و عابدی، ۱۳۹۲: ۷-۸)، هم‌خوانی ندارد.

۳-۲-۴. به‌کارگیری قسمتی از آیه‌ی قرآن با افزودن کلمه یا کلماتی عربی به ابتدای آن

زیدری نسوی در مواردی قسمتی از آیه‌ی قرآن را اخذ و اقتباس کرده است و به جهت افزودن معنایی متناسب یا ایجاد تناسب لفظی و هماهنگی آوایی کلمه یا کلماتی عربی

به ابتدای آن آیه افزوده است؛ برای نمونه: «... و زمام بسط و قبض، لِيَلْقِيَ قَدْرًا مَّقْدُورًا و لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا، بِمُخَنَّثِي، نه مردی و نه زنی داده...» (زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۳۷) که «قَدْرًا مَّقْدُورًا» مقتبس از آیه‌ی ۳۸ سوره‌ی الْأَحْزَاب (۳۳) است که فعل عربی «لِيَلْقِيَ» به ابتدای آن افزوده شده است و علاوه بر معنی مناسبی که در بافت جمله دارد، با فعل «لِيَقْضِيَ» در عبارت «لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا» که از قسمتی از آیات ۴۲ و ۴۴ سوره‌ی الْأَنْفَال (۸) قرآن اقتباس شده است، صنعت بدیعی جناس ایجاد کرده است. مورد دیگر جمله‌ی «... وَ قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ، اجل در آن حدود تاختن آورد...» (همان: ۱۰۰) است که عبارت «يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ»، بخشی از آیه‌ی ۲۳۵ سوره‌ی بقره (۲)، در آن اقتباس شده و نویسنده «وَ قَبْلَ» را بنا به ملاحظات معنایی به ابتدای آن افزوده است.

۵-۲-۳. به‌کارگیری قسمتی از آیه‌ی قرآن با تغییر دادن کلمه‌ای در ابتدای آن
 زیدری نسوی در جمله‌ی «... تا سحر سرمة سَهْر کشیده‌بودم و طُول اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا، تُرَهَات و خُرَافَات درهم نوشته...» (همان: ۵۱)، در آیه‌ی ۲ سوره‌ی الْمُزَّمِّل (۷۳) «فَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا» دخل و تصرف کرده و یک عبارت امری عربی را به عبارتی قیدی تبدیل نموده و متناسب با فحوای کلام و معنی آن به صورت به‌جا و زیبا در بافت جمله‌ی فارسی خود به‌کار برده است.

۶-۲-۳. حذف بخش‌هایی از آیه بنا به ملاحظات بلاغی و معناشناختی
 زیدری در جایی از کتابش قسمتی از آیه‌ی ۴۰ سوره‌ی الرُّوم (۳۰) را اقتباس کرده و به جهت رعایت ایجاز و ملاحظات معنایی بخش‌هایی از آن را حذف کرده و در بین جمله‌ی خودش آورده است: «مِنْ حَيْثُ لَا يَخْتَسِبُ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ، نجات را فتح بایی در حساب نبود...» (همان: ۹۱) که اصل آیه بدین صورت است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ...» که «الَّذِي» و «ثُمَّ رَزَقَكُمْ» از آن حذف و بقیه آورده شده است. در ضمن عبارت «مِنْ حَيْثُ لَا يَخْتَسِبُ» نیز که به زیبایی در بافت جمله به کار گرفته شده است، عبارتی قرآنی و مقتبس از آیه‌ی ۳ سوره‌ی الطَّلَاق (۶۵) است.

۴. کاربرد آیات قرآن به منظور هنرنمایی و نکته‌پردازی

گفته شد که نویسندگان نثر فنی و مصنوع فارسی به روح و باطن قرآن و شأن نزول آیات متعهد نبوده‌اند بلکه در وهله‌ی نخست می‌خواسته‌اند که قدرت قلم‌شان را در انشا و ترسل نشان دهند. آن‌ها با کاربرد آیات قرآن در بهترین و مناسب‌ترین جاهای نوشته‌شان به اقتضای حال و مقام، استادی خود را در نثرنویسی می‌نمایانده‌اند. یکی از جلوه‌های زیبای کاربرد آیات قرآن در نفثة‌المصدور وحدت موضوعی آیاتی است که در یک بند در معنی و مفهوم مناسب به کار می‌روند؛ برای مثال در جملات «... سلطانِ أليسَ لي مُلكٌ مِصرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي در دل بی‌عقلی او خانه گرفته، و سودای ابنِ لی صرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ، در سر بی‌مغز او خایه و بچه نهاده...» (همان: ۲۲)، نویسنده بخش‌هایی از دو آیه از دو سوره‌ی مختلف قرآن، آیه‌ی ۵۱ از سوره‌ی الزخرف (۴۳) و آیه‌ی ۳۶ از سوره‌ی غافر (۴۰) را در یک بند آورده و در بافت جملات فارسی به کار برده است. از دیدگاه دستور زبان و نحو، نویسنده به هر دو عبارت قرآنی نقش مضاف‌الیه‌ی داده است و هر دو را می‌توان مؤول به یک کلمه مثل «تکبر» یا «فرعون‌مآبی» کرد.

در برخی موارد، زیدری نسوی برای این‌که هنر خود را در تسلط بر آیات قرآن نشان دهد، آیه‌هایی را از یک سوره به تناسب معنا در یک جمله می‌آورد؛ برای مثال: «... ورد آن جماعت که لو اطلعت علیهم لولیت منهم فراراً ولملئت منهم رعباً بود، اتینا عذآنا لقد لقینا من سفرنا هذا نصباً...» (همان: ۵۷) که به ترتیب آیات ۱۸ و ۶۲ سوره‌ی الکهف (۱۸) را در جمله‌ی فارسی به کار برده است و با این اعنات و التزام آشنایی گسترده‌ی خود را با آیات قرآن و اشراف عمیق خود را بر معانی و مفاهیم قرآنی نمایانده است. اما هیچ کدام از این هنرنمایی‌های همراه با تصنع و تکلف به پای مواردی نمی‌رسد که ذوق نبوغ‌آسای او آیه را به طور طبیعی و در جای بایسته و معنای دقیق و زیبای خود گنجانیده‌است؛ برای نمونه یکی از زیباترین و استادانه‌ترین کاربردهای قسمتی از آیه در ضمن جمله به صورت ترکیب اضافی، زمانی که پوست و گوشت پای نویسنده که بر اثر دربه‌دردی و آوراگی‌های طولانی از استخوان جدا شده، در شهر خوی آذربایجان ترمیم می‌یابد، این چنین دیده می‌شود: «بعد از دو ماهه مقام به خوی، چون پای را از خزانه فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا دیگر بار کسوت نو دادند...» (همان: ۹۶) که آیه‌ی ۱۴ از سوره‌ی المؤمنون (۲۳) را که مضمون آن درباره‌ی خلقت انسان است، در مقال و فحوایی دیگر،

در زیباترین و هنرمندانه‌ترین جا به کار برده و صنعت و زینت بیانی استعاره را با زیندگی معنی در هم آمیخته است. نمونه‌ی دیگر در جای دیگر کتاب به چشم می‌خورد: «با دلی و چه دل! وَمَا أَذْرَاكَ مَا هِيَ نَارٌ حَامِيَةٌ» (همان: ۳۴). نویسنده آیات ۱۰ و ۱۱ سوره‌ی القارعة (۱۰۰) قرآن را فارغ از کاربرد و معنی اصلی آن در قرآن (توصیف جهنم) در وصف دل بی‌قرار و درون مضطرب و آشوب‌زده‌ی خودش به‌کار برده است که خامه‌اش از دیدگاه صناعات ادبی و بلاغت در اوج زیبایی‌آفرینی و قدرت است.

۱-۴. کاربرد آیات قرآن به منظور طنزپردازی

بهره‌گیری از آیات قرآن به صورت طنز از مصادیق هنرنمایی و نکته‌پردازی زیدری نسوی به شمار می‌رود. در این طرز کاربرد، نویسنده از قسمتی از آیه‌ی قرآن به طوری بهره می‌برد که خواننده‌ی آگاه با دانستن معنا و شأن نزول آیه، علاوه بر این که بر استادی او در استفاده‌ی به‌جا و متناسب از آیه واقف می‌شود، به طنز ظریفی پی می‌برد که به صورت غیر مستقیم و به کنایه و تلویح در نظر داشته است. از این دیدگاه آثار نثر کهن فارسی از جمله نفثة‌المصدور قوه‌ی ادراک و احاطه‌ی علمی خواننده را به چالش می‌کشند و او را به خواننده‌ی فعال و خلاق تبدیل می‌کنند؛ برای نمونه، در توصیف کاتبی که وزیر حاسد سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه در غیبت زیدری نسوی بر سر منصب کتابت گماشته است و با عنوان «مجنون نحوی» از او یاد می‌کند، از آیات ۱۱ و ۱۷۶ سوره‌ی النساء (۴) که درباره‌ی حکم فقهی ارث مرد و زن است، به گونه‌ای بهره برده است که به طور غیرمستقیم و به تلویح کاتب را از جهت تسلط بر فنون دبیری، زن (دارای نیم بهره و بهره‌ی ناقص) و خود را مرد (دارای بهره‌ی کامل) قلمداد می‌کند: «... به استعانت عمرو و زید و تقدیم انواع حيله و کید، قرار مَنصِبِ کتابت در غیبت میان او و بنده لِّلذِّكْرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ داد و تُلثی از اصابات و التُّلُثُ كَثِيرٌ، با جانب او نهاد.» (همان: ۱۴-۱۵).

نمونه‌ی دیگر: «... و عوانی به حدّ کمال، نه عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ گشته...» (همان: ۷۷)، که با استفاده‌ی از آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی بقره (۲) علاوه بر این که از دیدگاه علم بدیع بین دو عوان، «عوان» (سرهنگ دیوان سلطان) و «عَوَان» (در آیه‌ی قرآن به معنی «میان» در توصیف رنگ گاو بنی اسرائیل)، جناس تامّ ایجاد می‌کند، به طنز و تلویح «جمال علی عراقی» را «بقره» (گاو) تصویر می‌کند. دریافت این دقیقه و لطیفه در صورتی امکان‌پذیر است که خواننده با قرآن آشنا باشد و بداند که «عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ» درباره‌ی چه موضوعی

است. طنز دیگر در جملات «... سلطانِ أليسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَن هَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي در دل بی‌عقلِ او خانه گرفته، و سودایِ اینِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أُلْبِغُ الْأَسْبَابَ، در سر بی‌مغزِ او خایه و بچه نهاده...» (همان: ۲۲)، آمده است که نویسنده با بهره‌گیری از بخش‌هایی از دو آیه از دو سوره‌ی مختلف قرآن، آیه‌ی ۵۱ از سوره‌ی الزخرف (۴۳) و آیه‌ی ۳۶ از سوره‌ی غافر (۴۰) که هر دو جمله در قرآن از زبان فرعون بیان شده است و از سخنانِ اوست، علی بن قاسم، وزیرِ متکبرِ سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه را به طنز و کنایه و تلویح، فرعون خوانده است. عابدی و سرمدی (۱۳۹۲) این گونه بهره‌برداری زیدری نسوی را از آیات قرآن تحت عنوان «بهره‌برداری تعریضی» بررسی و تحلیل کرده‌اند (عابدی و سرمدی، ۱۳۹۲: ۸-۱۰).

۵. معناشناسی مفاهیم و محتوای آیات به‌کاررفته در نفثة‌المصدور

هشتاد و چهار مورد آیه‌ی قرآن که زیدری نسوی، در نفثة‌المصدور، عیناً اخذ، اقتباس و تضمین کرده‌است، از دید معنا، مفهوم، موضوع و محتوا به چند دسته می‌توان تقسیم کرد: آیات مربوط به انذار، هشدار، قیامت و عذاب؛ آیات مربوط به کافران، منافقان، ظالمان و بدکرداران؛ آیات مربوط به حکمت الهی و مرگ؛ آیات مربوط به رحمت الهی؛ آیات مربوط به جهاد؛ آیات با موضوعات متنوع و به مقتضای حال و مقام. در این بخش به ترتیب به بررسی و تحلیل کاربرد آیات قرآن بر اساس تقسیم‌بندی فوق پرداخته می‌شود:

۵-۱. آیات مربوط به انذار، هشدار، قیامت و عذاب

آیاتِ انذارِیِ مربوط به عذاب‌های الهی، یعنی عذاب‌های دنیوی و عذاب‌های اخروی (قیامت و دوزخ) که در نفثة‌المصدور مورد استفاده قرار گرفته‌اند، حدود هجده مورد هستند: صفحه ۱ (قرآن ۶۵/۳۷)، صفحه ۲۶ (قرآن ۲۵۹/۲ و ۱۰۶/۲۰ و ۵۸/۲۸)، صفحه ۳۰ (قرآن ۲۴/۴۶)، صفحه ۳۱ (قرآن ۴۳/۱۱) که درباره‌ی عذاب قوم نوح است؛ صفحه ۳۴ (قرآن ۱۰۱/۱۰۱-۱۱)، صفحه ۴۴ (قرآن ۳۴/۸۰-۳۶ و ۱۰/۷۵)، صفحه ۵۲ (قرآن ۴۰/۸۰-۴۲ و ۴۱/۵۵ و ۲۹-۲۸/۶۹)، صفحه ۵۳ (قرآن ۱۶/۳۹ و ۴۱/۱۳ و ۴۴/۲۱) که در قرآن آیه‌ی هشدار و انذار درباره‌ی شدتِ قهر و انتقام الهی از کافران و ظالمان است ولی در متن کتاب به زیبایی در وصف بی‌رحمی مغول و شدت حمله‌ی آن‌ها به کار رفته

است؛ در صفحه ۶۸ (قرآن ۱۴۵/۷ و ۴/۳) که آیات هشدار هستند و در متن زیدری نسوی درمورد سرنوشت ملک مسعود، صاحب آمد، به کار رفته‌اند؛ صفحه ۱۰۲ (قرآن ۲۵/۴۶)، صفحه ۱۰۴ (قرآن ۱۰۱/۹) که آیه‌ی عذاب و درباره‌ی انذار و هشدار به منافقان است؛ صفحه ۱۱۱ (قرآن ۴۹/۱۸) که درباره‌ی قیامت و نامه‌ی اعمال بدکرداران است و صفحه ۱۱۸ (قرآن ۳۸/۴۳). در این‌گونه اقتباس‌ها، زیدری نسوی آیات عذاب الهی را که درباره‌ی ویرانی شهرها و روستاهای اقوام بی‌ایمان و عصیانگر گذشته و سرنوشت شوم آن‌ها هستند، با ویرانی شهرها و روستاها و سرنوشت مردمی که گرفتار حمله‌ی مغول شده‌اند، مطابقت می‌دهد (ر.ک. زیدری نسوی، ۱۳۷۰: ۲۶ و ۱۰۲). گاهی فارغ از معنی و شأن نزول این آیات، آن‌ها را به صورت طنزآمیزی در توصیف مغولان به کار می‌برد (ر.ک. همان: ۵۲). یا در برخی موارد، بلای خانمان‌سوز مغول را با واقعه‌ی بزرگ قیامت برابر می‌داند و به صورت زیبایی از تصاویر قرآنی مربوط به پایان دنیا و قیامت در ذکر وحشت و استیصال مردمی که گرفتار حمله‌ی ناگهانی مغول شده‌اند، بهره‌می‌برد (ر.ک. همان: ۴۴).

۲-۵. آیات مربوط به کافران، منافقان، ظالمان و بدکرداران

تعداد قابل توجهی از آیات به کاررفته در کتاب نفثة‌المصدر مربوط به کافران، منافقان، ظالمان و بدکرداران است. بسامد این گونه آیات به حدود هفده مورد می‌رسد: صفحه ۱ (قرآن ۲۰/۲)، صفحه ۴ (قرآن ۹۰/۱۹)، صفحه ۹ (قرآن ۱۲/۷۹) که در مورد انکار حشر و قیامت از سوی ناباوران آن است؛ صفحه ۱۳ (قرآن ۷۲/۱۵ و ۲۰۴/۲)، صفحه ۲۲ (قرآن ۵۱/۴۳ و ۳۶/۴۰) درباره‌ی تکبر و سرکشی فرعون، صفحه ۳۱ (قرآن ۴۳/۱۱) درباره‌ی پندناپذیری و سرکشی پسر نوح، صفحه ۳۹ (قرآن ۲۳/۸ و ۱۰۱/۱۰ و ۷۹/۷) که هر سه مورد درباره‌ی پندناپذیری کافران، منافقان و زشت‌کرداران است؛ صفحه ۴۳ (قرآن ۲۴/۱۰) که درباره‌ی اعمال کافران و ظالمان است؛ صفحه ۶۰ (قرآن ۱۰۹/۹) که درباره‌ی اعمال ظالمان و کافران و هشدار به آن‌هاست؛ صفحه ۸۴ (قرآن ۱۱۸/۳) که درباره‌ی ویژگی منافقان است؛ صفحه ۹۳ (قرآن ۷/۳۱) که درباره‌ی هشدار به کافران و منافقان بی‌ایمان است؛ صفحه ۹۶ (قرآن ۳/۱۵) و صفحه ۱۲۴ (قرآن ۵۲/۵). زیدری نسوی از این دسته از آیات قرآن اغلب در توصیف دشمنان و حاسدان خودش بهره می‌برد؛ چنان‌که در دو جای کتابش، در ذکر عداوت و حسادت وزیر سلطان جلال‌الدین



با خودش، دو بار از این آیات بهره برده است (ر.ک. همان: ۱۳ و ۲۲) و یا در توصیف کسانی که به هشدار و تحذیر او درباره‌ی حمله‌ی قریب‌الوقوع مغول گوش ندادند، از این آیات بهره برده است (ر.ک. همان: ۳۹).

۳-۵. آیات مربوط به حکمت الهی و مرگ

گروه دیگری از آیات اقتباس شده در نفثة‌المصدر، آیاتی هستند که مطابق حکمت الهی حاکم بر قرآن، همه‌ی امور را به حق تعالی نسبت و ارجاع می‌دهند. نویسنده با دیدگاه یک مسلمان موحد، از این آیات قصد توجیه فلسفی و عقیدتی حمله‌ی مغول و نتایج و تبعات گران آن را دارد (برای شرح ر.ک. سرمدی و عابدی، ۱۳۸۲: ۶-۸). او این‌گونه آیات را به منظور تسکین و دل‌داری خودش و خوانندگان کتاب و عبرت‌گرفتن آنان به کار می‌برد. تعداد این‌گونه آیات در نفثة‌المصدر بالغ بر سیزده مورد است که عبارتند از: صفحه ۹ (قرآن ۲۱/۳۹)، صفحه ۱۷ (قرآن ۱۱/۱۳) که درباره‌ی محتوم بودن تقدیر آسمانی و قضای الهی است. توضیح این که زیدری نسوی قسمت دیگر همین آیه را در صفحه‌ی ۸۱ کتاب به مقتضای حال و مقام و مطلب آورده‌است؛ صفحه ۲۵ (قرآن ۱۲۹/۶)، صفحه ۳۱ (قرآن ۲۱۶/۲)، صفحه ۳۴ (قرآن ۷۳/۳-۷۴) که فضل و برتری را به یقین از آن خدا می‌داند که به هر کس بخواهد، می‌دهد؛ صفحه ۳۷ (قرآن ۳۸/۳۳ و ۴۴/۸) که تقدیر الهی را بودن، حتمی، شدنی و گریزناپذیر قلمداد می‌کند؛ صفحه ۴۳ (قرآن ۲۴/۱۰) که محتوای آیه این است که جان تمام مخلوقات در دست خداست، اما زیدری نسوی، با استادی، آن را در وصف کسانی به کار می‌برد که در حمله‌ی مغول، دارایی و نقود خود را گذاشته و جان خود را برداشته و فرار کرده‌اند؛ صفحه ۸۱ (قرآن ۱۹/۱۳)، صفحه ۹۱ (قرآن ۴۰/۳۰)، صفحه ۱۰۷ (قرآن ۳۰/۱۶) که درباره‌ی بهتر بودن دار آخرت برای انسان پرهیزکار است و نویسنده با ذکر این آیه از دید روان‌شناختی به خود و خواندگانش تسکین می‌دهد. آیات مربوط به مرگ و برحق بودن و گریزناپذیر بودن آن را نیز می‌توان جزو آیات حکمی شمرد: صفحه ۳۱ (قرآن ۱۳۴/۲)، صفحه ۳۶ (قرآن ۸۱/۶۲)، صفحه ۵۵ (قرآن ۱۸/۳ و ۳۵/۲۱ و ۵۷/۲).

۴-۵. آیات مربوط به رحمت الهی

دسته‌ی دیگر از آیات اقتباس‌شده در نفثة‌المصدور، آیات رحمت هستند؛ یعنی آیات تبشیریِ مربوط به بهشت و پاداش اخروی برای مؤمنان، مسلمانان، خویشان‌داران و نیکوکاران که زیدری نسوی در این موارد، موضوع جهاد و شهادت در راه خدا را به بهشت و رضای خداوند پیوند می‌دهد. تعداد این‌گونه آیات در نفثة‌المصدور حدود ۱۱۴ مورد است؛ برای نمونه: صفحه ۵۳ (قرآن ۲۶/۸۳ و ۱۶۹/۳-۱۷۰)، صفحه ۷۳ (قرآن ۶۵/۳)، صفحه ۷۹ (قرآن ۲۶/۳۶-۲۷). از صفحه‌ی ۱۱۴ به بعد کتاب که نویسنده موضوع رساندن خودش را به درگاه ملک مظفر شهاب‌الدین غازی در خطه‌ی میافارقین در آسیای صغیره غیر مطرح می‌کند، در مدح سلطان، و وصف عدل و داد او و آسایش و امنیت آن خطه، با بهره‌گیری از آیات رحمت، حق سخن را ادا می‌کند: صفحه ۱۱۴ (قرآن ۴۳/۱۱)، صفحه ۱۱۵ (قرآن ۶۷/۲۹)، صفحه ۱۱۶ (قرآن ۲۰/۷۶ و ۲۵/۵۶ و ۴۷/۳۷).

۵-۵. آیات مربوط به جهاد

دسته‌ی دیگر از آیات به کار رفته در نفثة‌المصدور، به موضوع جهاد در راه خدا می‌پردازند و تعداد آن‌ها از سه مورد تجاوز نمی‌کند: صفحه ۳۵ (قرآن ۹۵/۴)، صفحه ۳۹ (قرآن ۷۱/۴ و ۶۰/۸).

۶-۵. به‌کارگیری آیات قرآن با موضوعات متنوع به مقتضای حال، مقام و معنی

باقی آیاتی که زیدری نسوی در کتاب اقتباس کرده است، موضوعات و مضامین متنوع دارند که به مقتضای حال، مقام و معنی به کار رفته‌اند. تعداد این آیات در نفثة‌المصدور حدود بیست و دو مورد است: صفحه ۳ (قرآن، ۷/۱۶)، صفحه ۶ (قرآن ۴۷/۲۲)، صفحه ۱۲ (قرآن ۵۸/۴)، صفحه ۱۴ (قرآن ۱۱/۴ و ۱۷۶)، صفحه ۱۶ (قرآن ۴/۲۵)، صفحه ۳۱ (قرآن ۱۱۹/۹ و ۲/۱)، صفحه ۳۴ (قرآن ۷/۴۳)، صفحه ۴۵ (قرآن ۱۱۴/۱۱)، صفحه ۵۷ (قرآن ۱۸/۱۸ و ۶۲/۱۸)، صفحه ۶۰ (قرآن ۲۴/۳۸)، صفحه ۶۲ (قرآن ۷۵/۴)، صفحه ۶۴ (قرآن ۹۶/۲۳)، صفحه ۷۷ (قرآن ۶۸/۲)، صفحه ۹۶ (قرآن ۱۴/۲۳)، صفحه ۱۰۰ (قرآن ۲۳۵/۲ و ۱۳/۱۸)، صفحه ۱۰۵ (قرآن ۱۲/۹۰)، صفحه ۱۱۱ (قرآن ۲۸۶/۲)، صفحه ۱۱۲ (قرآن ۷۲/۳۳) و سرانجام صفحه ۱۲۵ (قرآن ۳۱/۵).

بر اساس یافته‌های پژوهش در این بخش، می‌توان جدول زیر را چنین ترسیم کرد:

آیات مربوط به جهاد	آیات مربوط به رحمت الهی	آیات مربوط به حکمت الهی و مرگ	آیات مربوط به کافران، منافقان، ظالمان و بدکرداران	آیات مربوط به انذار، هشدار، قیامت و عذاب	آیات با موضوعات متنوع	کل آیات اقتباس شده در نفثة‌المصدور
۳	۹	۱۳	۱۷	۲۰	۲۲	۸۴
% ۳/۵	% ۱۰/۷	% ۱۵/۴	% ۲۰/۲	% ۲۳/۸	% ۲۶/۱	% ۱۰۰

نتایج

شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی منشی و نویسنده‌ای است که به قرآن تسلط کامل دارد. او آیات قرآنی را صرف نظر از شأن نزول و موضوعی که در قرآن دارند، به اقتضای حال و مقام و معنای جملات کتابش به کار برده و در این کار حتی در اصل آیات نیز دخل و تصرف کرده است. بیشتر موارد استفاده‌ی او از آیات قرآن به صورت استفاده از بخشی از آن‌ها یا کلماتی از آنهاست این امر نشان می‌دهد که زیدری نسوی در کاربرد آیات به مطابقت با نص قرآن کریم و یا به استفاده از آیات کامل، بی‌کم و کاست، جهت تبرک و تیمن و یا استدلال و استناد تعمد و اصرار ندارد، بلکه بیشتر به استفاده‌ی لفظی و ساختاری از آیات در جهت متمیم و تکمیل معنی و نمایاندن قدرت استادی‌اش در نثرنویسی و سخن‌پردازی فارسی تأکید دارد. خواننده در نفثة‌المصدور با جلوه‌های گوناگون هنرنمایی و نکته‌پردازی زیدری نسوی در استفاده از آیات قرآنی روبه‌رو می‌شود که حتی شامل طنزپردازی با استفاده از آیات قرآن نیز می‌شود. بررسی کمی آیات قرآنی در کتاب نفثة‌المصدور نشان می‌دهد که زیدری نسوی از آیات سوره‌های مفصل ابتدایی و میانی قرآن کریم (به دلیل بلند بودن سوره‌ها و تنوع موضوعات آیات آن‌ها) در کتاب بیشترین بهره‌گیری را انجام داده‌است و نحوه‌ی کاربرد آیات قرآن در ساخت و بافت جملات فارسی نشان می‌دهد که او به معنی و مفهوم آیات قرآن تسلط کافی و وافی دارد. تنوع آیات با معانی و مضامین گوناگون و ظرافت و دقتی که نویسنده در کاربرد آن‌ها نشان می‌دهد، عامل مهمی در ارتقای نفثة‌المصدور به یکی از شاهکارهای نثر فنی و نثر مصنوع فارسی است. از دیدگاه معناشناسی، بیشترین موارد به کارگیری آیات قرآنی در نفثة‌المصدور صرف نظر از آیات با موضوعات متنوع که هر کدام در جا و معنای مناسب به کار رفته‌اند، مربوط به آیات انذار و هشدار، عذاب‌های دنیوی و اخروی و آیات مربوط به انسان‌های کافر، بدکردار و بی‌ایمان است. با مقایسه‌ی تعداد کاربرد

آیات یادشده با آیات مربوط به جهاد که مستلزم نگاه پویا و فعال به زندگی است و آیات رحمت الهی، که همراه با آیات جهاد دارای کمترین بسامد هستند، می‌توان چنین برداشت کرد که نویسنده از دیدگاه روان‌شناسی، از آوارگی‌هایش و از قتل عام مردم به دست مغول و از اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی حاصل از هجوم مغول و انحطاط اخلاقی هم‌عصرانش به شدت متأثر است و با آوردن آیات مربوط به حکمت الهی و تقدیر محتوم الهی در نابودکردن یا زنده نگه‌داشتن انسان‌ها سعی در تسکین روحی خود و خوانندگان کتابش دارد. از دید نشانه‌شناسی و معناشناسی کثرت آیات عذاب در نفثة‌المصدور مبین روح دردمند نویسنده و حاکی از انسجام و جزالت قابل تحسین نوشته‌ی او از نظر لفظ و معناست و همین انسجام و جزالت متن، نفثة‌المصدور را به ناله‌های دل دردمند انسانی حسّاس و هنرمند بدل می‌کند.

یادداشت‌ها

^۱ . برای نمونه در کتاب کلیله و دمنه (منشی، ۱۳۶۸) با وجود حجم زیاد آن به نسبت نفثة‌المصدور، تنها حدود چهارده مورد استعمال آیات قرآنی دیده می‌شود و در مرزبان‌نامه (روایینی، ۱۳۸۰)، با حجم خیلی بیشتر از نفثة‌المصدور، تنها حدود صد و ده مورد استعمال آیات قرآنی دیده می‌شود.

^۲ . این موارد عبارتند از: ص ۱ (قرآن ۶۵/۳۷)، ص ۴ (قرآن ۹۰/۱۹)، ص ۱۳ (قرآن ۷۲/۱۵ و ۲۰۴/۲)، ص ۲۵ (قرآن ۱۲۹/۶)، ص ۲۶ (قرآن ۵۸/۲۸)، ص ۳۱ (قرآن ۲/۱)، ص ۳۴ (قرآن ۱۰۱/۱۰۱ و ۱۱)، ص ۳۹ (قرآن ۷۱/۴ و ۲۳/۸)، ص ۴۴ (قرآن ۳۴/۸۰ و ۳۵ و ۳۶)، ص ۵۲ (قرآن ۴۱/۸۰ و ۴۲ و ۴۱/۵۵ و ۲۹ و ۲۸/۶۹)، ص ۵۳ (قرآن ۱۶/۳۹)، ص ۷۹ (قرآن ۲۷/۳۶)، ص ۹۶ (قرآن ۳/۱۵)، ص ۱۰۰ (قرآن ۲۳/۱۸)، ص ۱۰۵ (قرآن ۱۲/۹۰)، ص ۱۱۶ (قرآن ۲۰/۷۶ و ۲۵/۵۶ و ۴۷/۳۷).

^۳ . برای نمونه در مرزبان‌نامه آیه‌ی قرآن در ضمن جمله‌ی فارسی چنین به کار رفته است: «...در پرده‌ی ممکنات قدرت، ندای وَأُبرئُ الْأُكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحیی الْمَوْتی، بسمع خرد می‌شنید...» (روایینی، ۱۳۸۰: ۱۳۸) که آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی آل عمران (۳) بدون هیچ مقدمه و توضیحی در متن جمله‌ی فارسی به کار رفته است. در تاریخ جهانگشای جوینی نیز می‌خوانیم: «... اگر ناگاه به لشکری احتیاج افتد حکم کنند که چندین هزار باید فلان ساعت آن روز یا شب به فلان موضع حاضر آیند، لَا یَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا یَسْتَقْدِمُونَ، یک طرفه‌العین تقدیم و تأخیر نیفتد...» (جوینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۳) که بخشی از آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی الاعراف (۷) و آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی النحل (۱۶) بدون هیچ توضیحی راجع به آیه‌بودن آن، به طور طبیعی در میان جمله‌ی فارسی به کار رفته است.

^۴ . باقی این موارد عبارتند از: ص ۱۲ (قرآن ۵۸/۴)، ص ۲۲ (قرآن ۵۱/۴۳ و ۳۶/۴۰)، ص ۳۱ (قرآن ۴۳/۱۱)، ص ۳۸ (قرآن ۱۳۴/۲)، ص ۵۲ (قرآن ۴۱/۵۵)، ص ۵۵ (قرآن ۱۸۵/۳ و ۳۵/۲۱ و ۵۷/۲۹)، ص ۶۰ (قرآن ۲۴/۳۸)، ص ۶۸ (قرآن ۱۴۵/۷)، ص ۷۳ (قرآن ۷/۶۵)، ص ۹۶ (قرآن ۱۴/۲۳)، ص ۱۰۲ (قرآن ۲۵/۴۶)، ص ۱۱۴ (قرآن ۴۴/۱۱).



^۵. این موارد عبارتند از: ص ۳۶ (قرآن ۸/۶۲)، ص ۳۹ (قرآن ۷۱/۴)، ص ۵۲ (قرآن ۲۸/۶۹ و ۲۹)، ص ۶۲ (قرآن ۷۵/۴)، ص ۱۱۱ (قرآن ۴۹/۱۸) و ص ۱۱۸ (قرآن ۳۸/۴۳).

منابع

قرآن کریم.

- ۱- انوشه و دیگران (۱۳۸۱)، **فرهنگنامه ادبی فارسی** (جلد دوم از دانشنامه ادب فارسی)، چاپ دوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- بهار، محمدتقی (۱۳۴۹)، **سبک‌شناسی**، سه جلد، چاپ سوم، تهران: کتاب‌های پرستو.
- ۳- تجلیل، جلیل (۱۳۷۶)، **معانی و بیان**، چاپ هشتم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴- جوینی، عطاملک (۱۳۶۷)، **تاریخ جهانگشای جوینی**، سه جلد، چاپ سوم، تصحیح محمد قزوینی، تهران: انتشارات ارغوان.
- ۵- خرّمشاهی، بهاء‌الدین و مختاری، سیامک (۱۳۸۳)، **قرآن و مثنوی**، تهران: نشر قطره.
- ۶- حلبی، علی‌اصغر (۱۳۷۹)، **تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی**، چاپ هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۷- خطیبی، حسن (۱۳۶۶)، **فن نثر در ادب پارسی**، دو جلد، تهران: انتشارات زوّار.
- ۸- راستگو، سید محمد (۱۳۸۳)، **تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی**، چاپ سوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- ۹- رضوانی، جابر (۱۳۸۲)، **معماهای قرآن**، چاپ سوم، تهران: انتشارات جهان‌آرا.
- ۱۰- زیدری نسوی، شهاب‌الدین محمد (۱۳۷۰)، **نفثة‌المصدور**، به تصحیح امیرحسین یزدگردی، چاپ دوم، تهران: شرکت نشر ویراستار.
- ۱۱- سرمدی، مجید و عابدی، علی (۱۳۸۲)، «**بررسی مفهومی و ساختاری آیات قرآن در نفثة‌المصدور**»، فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش‌های ادبی- قرآنی»، سال اوّل، شماره چهارم، ۸۳-۱۱۲.
- ۱۲- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۱)، **تاریخ ادبیات ایران**، جلد دوم (خلاصه‌ی جلد سوم از تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان فارسی)، به تلخیص سیدمحمد ترابی، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۳- منشی، ابوالعالی نصرالله (۱۳۶۸)، **کلیله و دمنه**، به کوشش عبدالعظیم قریب، چاپ چهارم، تهران: کانون انتشارات علمی.
- ۱۵- نظامی عروضی، احمد بن عمر (۱۳۶۹)، **چهار مقاله**، به تصحیح محمد معین، چاپ دهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.



۱۵- وراوینی، سعدالدین (۱۳۸۰)، *مرزبان‌نامه*، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، چاپ هفتم، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.

۱۶- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۱)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ هشتم، تهران: مؤسسه نشر هما

Monifestation of the Quran's verses in the Nafthat- ol- Masdour

Ikhtyar Bakhshi ^۱

Ahmad Noormand ^۲

Mohammad Ali Khazaenedarlu ^۳

Abstract

The present study tries to identify the effects of Quaranic verses on the formal and structural richness of the Nafthat- ol- Masdour written by Shahab- Oddin Mohammad Zeydari Nasavi and to highlight the literary and rhetorical values of the verses in the promotion of this literary- historical text as one of the finest prototypes of the old persian prose. In an analytical- descriptive manner, and using a library research metod for texts, the present study deals with various artistic aspects of the Nafthat- ol- Masdour, and Findings show that the book has greatly benefitted from the Quranic verses in terms of sound and sense in addition to relying on the historical circumstances associated with the Quranic verses. More often than not, the writer has partially used the Quranic verses. The writer does not insist on using the verses in accordance with the exact meanings of the Quranic words or on the basis of a verbatim borrowing from the Holy Quran. Rather, he emphasizes the forms or the structures of the Quranic verses in order complement the meanings of Persian sentences and in order to show the strength of his documentations in prose- writing. In some instances, the writer has aesthetically used the Quranic verses to add values of his satires. Semantically, the writer has mostly used the Quranic verses which are warnings of the punishments in the world to come, and the verses which predict the consequences of wicked deeds or what will happen to wrong-doers; this is appropriate and artistic, and adds to the strength and the cohesion of the writing style, given the content of the book. Therefore, Findings show that the artistic use of the Quranic verses plays a key role in the promotion of this literary text and greatly contributes to the development of this putative literary masterpiece in the old Persian literature.

Keywords: The Quran, analysis and research, Zeydari nasavi, artistic prose, the Nafthat- ol- Masdo

^۱. Assistant professor, Department of persian language & literature, Farhangian University, ikhtyar.bakhshi@gmail.com

^۲. Assistant professor, Department of persian language & literature, Farhangian University, nourmand_۲@yahoo.com

^۳. Associate professor, Department of persian language & literature, Gilan University, khazaneh@guilan.ac.ir